بر اساس یک سرگذشت واقعی

۵ سکه مهرم را حلال کردم و تنم را آزاد

فاطمه زردشتی نی‌ریزی

شوهرم کریم بیل‌زن زمین‌های مردم بود. در زندگی با او هیچ خیری ندیده بودم و آنطور که باید و شاید از او دل خوشی نداشتم. از ۱۳ سالگی زنش شدم و ۵۰ سال با او زیر یک سقف زندگی کردم. نه مسافرتی، نه زیارتی، نه تفریحی، نه طلا و جواهری و نه حتی زبان خوشی...

دو تا پسر داشتیم که زن گرفته و رفته بودند پی زندگی خودشان. کریم کار می‌کرد و همانی را که درمی‌آورد با هم می‌خوردیم.

دل خوشی از او نداشتم. با این وجود کریم که مُرد، ترس افتاد توی دلم... مانده بودم چه کنم؟ نه بیمه‌ای داشتیم و نه پس‌اندازی... پسرها هم دستشان به دهانشان نمی‌رسید. هشتِ خودشان گرو نه‌شان بود و اگر می‌خواستند دو تا نان برایم بیاورند، زن‌هایشان چشم و ابرویشان می‌رفت توی هم و غر می‌زدند... حق هم داشتند...

نشستن فایده‌ای نداشت. همین شد که دستم را به زانویم گرفتم و بلند شدم. هر کاری می‌کردم، از پسته‌چینی و انارچینی تا جمع‌کردن انجیرهای مردم و... یک نفر که بیشتر نبودم. خانه‌ای کوچک داشتم و با کارکردن، نان و پنیری برای من درمی‌آمد و از سرم هم زیاد بود.

محمود که آمد به خواستگاری دست و پایم شل شد... هشتاد و یکی دو ساله بود و بیست سالی از من بزرگ‌تر. نمی‌دانم کدام شیرپاک خورده‌ای مرا به یکی از دخترانش معرفی کرده بود. آن‌طور که دخترش می‌گفت وضع مالی پدرش بد نبود. خانه‌ای بزرگ داشت. یکی دو تا ملک انجیر خوب و سه چهار تا قواره زمین. تنها بدی‌اش این بود که انگار کمی مریض‌احوال بود... پاهایش قوّت آنچنانی نداشت و کسی را می‌خواستند که به او کمی رسیدگی کند. همان اول گفتم نه! اگر اقوام و آشنا و در و همسایه می‌شنیدند پشت سرم چه می‌گفتند؟ پسرها! عروس‌ها... در این سن و سال حتماً مضحکه خاص و عام می‌شدم. گفتم نه! اما دخترش دست‌بردار نبود. آنقدر از خوبی‌ها و محاسن پدرش گفت تا قرار شد چند روز بعد به او جواب بدهم. موضوع را که به پسرها گفتم بلوایی به پا شد. تهدید کردند ترکم می‌کنند اما من تصمیمم را گرفته بودم. چرا باید برای یک لقمه نان در این سن و سال از صبح تا شب جان می‌کندم؟

عقدمان بی‌هیچ مراسم خاصی برگزار شد و من زن محمود شدم. محمود آدم بدی نبود، یعنی اصلاً انگار نبود. گوش‌هایش کمی سنگین بود و غذایش را که می‌گذاشتم جلویش یک گوشه می‌افتاد و جز چند کلمه چیزی نمی‌گفت. امیدوار بودم حالا که زنش شده‌ام از ملک انجیری و زمین‌هایش چیزی نصیب من بشود اما زهی خیال باطل... مگر بچه‌هایش می‌گذاشتند؟ زمین و خانه و ملک به کنار، اگر لقمه‌ای غذا می‌خوردم چپ‌چپ نگاهم می‌کردند، اگر لباسی می‌خریدم طعنه و کنایه می‌زدند، اگر کسی از اقوام و دوستانم به خانه‌مان می‌آمد، چشم و رویشان را توی هم می‌کشیدند و با او سرد برخورد می‌کردند...

من اما دم برنمی‌آوردم. با خودم می‌گفتم می‌گذرد اما سخت می‌گذشت و محمود که سکته کرد، اوضاع بدتر شد. محمود حال درستی نداشت، رفت و آمد بچه‌هایش به خانه‌مان بیشتر شده بود اما حاضر نبودند دست به سیاه و سفید بزنند. محمود مراقبت می‌خواست. هوش و حواس درستی نداشت. جایش را خیس می‌کرد و دکتر گفته بود روزانه او را به هر سختی که شده حرکت دهیم تا زخم بستر نگیرد. توان آنچنانی نداشتم و بچه‌هایش درحالی که حتی حاضر نبودند زیر بغلش را بگیرند، از من می‌خواستند او را مدام از جا بلند کنم و حرکت دهم. اصلاً انگار نه انگار که محمود پدرشان بود. هر روز یکی دو تا از آن‌ها مثل غریبه سر می‌زدند، دستوراتشان را می‌دادند و بجز کارهای پدرشان باید از خودشان هم پذیرایی می‌کردم. خسته شده بودم. نه برایم کمر مانده بود، نه شانه و گردن... دو سال بیشتر نبود زن محمود شده بودم و تاب و توانم رفته بود. از چاله درآمده و افتاده بودم توی چاه...

نگهداری از محمود و تحمل رفتار بچه‌هاش به مراتب سخت‌تر از پسته‌چینی و انارچینی بود. آن‌ها برای پدرشان زن نمی‌خواستند، کلفت و پرستار محرم و بی‌جیره و مواجبی می‌خواستند که پدرشان را از سر خودشان باز کنند. کسی که وقتی پدرشان سرش را زمین گذاشت و مرد، نه حق و حقوقی بخواهد و نه ملک و املاکی...

دلم برای محمود می‌سوخت اما برای خودم بیشتر... اصلاً معلوم نبود این وضع تا کی ادامه داشته باشد. اصلاً معلوم نبود محمود تا کی زنده بماند... مهر آنچنانی نداشتم، پنج سکه به نیت پنج معصوم... همان را هم بخشیدم. مهرم را حلال کردم و تنم را آزاد...

مناسبت

مقاومت و تاب‌آوری در بحران

حجت‌الاسلام دکتر حسین سروش /دین‌پژوه و امام جماعت حسینیه ثارالله

یکی از درس‌های عاشورا درباره مقاومت، استقامت و تاب‌آوری در بحران است. ابتدا باید روشن شود که منظور از بحران چیست.

بحران فقط این نیست که «مشکل پیش آمده» یا «شرایط سخت شده». بحران یعنی وضعیتی که نظم عادی زندگی به هم می‌ریزد، انسان دچار فشار روانی می‌شود، تصمیم‌گیری دشوار می‌شود، و جامعه با خطر فروپاشی اخلاقی یا سیاسی روبرو می‌گردد. اگر قرار باشد کربلا را از این زاویه ببینیم، معلوم می‌شود که کربلا فقط میدان جنگ نبود؛ میدان بحران‌های تودرتو بود: بحران تشنگی، بحران محاصره، بحران تنهایی، بحران خیانت، بحران تحریف دین، بحران آینده‌نامعلوم. و درست در چنین صحنه‌ای، مفهوم صبر و تاب‌آوری معنا پیدا می‌کند.

به همین دلیل باید بحران در کربلا را از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحلیل نمود:

الف) بحران روانی:

در کربلا، انسان‌ها با شدیدترین شکل فشار روانی مواجه‌اند؛ آینده مبهم است، عدد دشمن بسیار زیاد است، راه برگشت بسته است، خانواده در معرض خطر است، کودکان و زنان حضور دارند، و شهادت، یک احتمال دور نیست؛ یک واقعیت نزدیک است. در این شرایط، مهم‌ترین سؤال این است که چه چیزی انسان را از فروپاشی نجات می‌دهد؟ پاسخ، فقط «احساسات» نیست. بلکه ترکیبی است از: ایمان، معنا، هدف، و اعتماد به حقانیت راه. این نکته در روان‌شناسی امروز هم کاملاً پذیرفته شده است که انسان وقتی بتواند به رنج خود معنا بدهد، در برابر بحران مقاوم‌تر می‌شود. در کربلا، معنا روشن است: حفظ دین، حفظ کرامت، و شهادت در مسیر حق.

ب) بحران اجتماعی:

کربلا فقط بحران فردی نبود؛ بحران اجتماعی هم بود. جامعه‌ای که باید از حق دفاع کند، در لحظه حساس دچار سکوت، ترس، نفاق، مصلحت‌سنجیِ بی‌اخلاق، و انفعال شد. کوفه نمونه یک جامعه بحران‌زده است؛ جامعه‌ای

که ظاهرِ دینداری دارد اما در عمل، وفاداریِ پایدار ندارد. کوفه و واقعه کربلا نشان دادند که بزرگ‌ترین شکست‌ها همیشه از شمشیر دشمن نیست؛ گاهی از بی‌ثباتیِ جامعه خودی است. امروز هم همین‌طور است. بسیاری از بحران‌ها فقط از بیرون نمی‌آیند. بلکه از ضعف اعتماد، نبود شجاعت اخلاقی و عادت به توجیه پدید می‌آیند.

ج) بحران سیاسی:

در کربلا، یک بحران سیاسی- دینی نیز پدید آمده بود. به این شکل که قدرت، دین را ابزار خود کرده است. خطر اصلی این است که ظلم، لباس دین بپوشد. امام حسین علیه‌السلام دقیقاً برای مقابله با این انحراف قیام کرد. یعنی عاشورا فقط جنگ با یک حاکم نبود؛ مقاومت در برابر تبدیل حقیقت به ابزار قدرت بود.

در چنین شرایط بحران‌زده‌ای یکی از ابزارهای مهم مبارزه، صبر و تاب‌آوری است. صبر یعنی ایستادگیِ فعال! یکی از مهم‌ترین سوءبرداشت‌ها درباره صبر این است که آن را مساوی با سکوت، تحملِ هر وضعی، یا کنار آمدن با ظلم می‌گیرند. در حالی که قرآن، صبر را بسیار فعال‌تر و عمیق‌تر مطرح می‌کند.

قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل‌عمران، ۲۰۰) این آیه سه لایه دارد. اصبروا: خودتان را نگه دارید و پایدار بمانید. صابروا: در برابر دیگران و در میدان اجتماعی استقامت کنید. رابطوا: آماده‌باش و مراقبت دائمی داشته باشید. یعنی صبر در قرآن، یک حالت فعّال، اجتماعی و هوشیارانه است.

امام حسین علیه‌السلام در مسیری قدم گذاشت که می‌دانست پایانش به شهادت نزدیک است. اما این آگاهی، او را فلج نکرد. زیرا هدفش فقط نجات جان نبود بلکه حفظ حقیقت بود. در روان‌شناسی بحران، انسان‌هایی که فقط به بقای فیزیکی فکر می‌کنند، زودتر می‌شکنند. اما انسان‌هایی که برای زندگی خود معنا دارند، تاب‌آورترند. اگر بخواهیم یک نمونه عالی از تاب‌آوری در بحران معرفی کنیم، حضرت زینب سلام‌الله‌علیهاست. تاب‌آوری او فقط این نبود که گریه نکرد؛ بلکه در اوج مصیبت فرو نپاشید، نقش خود را از دست نداد، پیام را رساند، و اجازه نداد شکستِ نظامی به شکستِ معنوی تبدیل شود.

خیلی وقت‌ها یک جامعه در میدان عمل شکست می‌خورد، اما اگر روایتِ درست از آن شکست تولید شود، می‌تواند به پیروزیِ تاریخی تبدیل شود. زینب سلام‌الله‌علیها دقیقاً این کار را کرد. در خطبه زینب، ما با زنی مواجهیم که در اوج مصیبت، از موضع ضعف سخن نمی‌گوید؛ از موضع اقامه حق سخن می‌گوید. این‌جا تاب‌آوری فقط «تحمل درد» نیست؛ تبدیل درد به پیام است.

این روزها جامعه ما نیز دچار بحران‌های مختلف است و الگوی تاب‌آوری عاشورایی نسخه مناسب احوالات ماست. باید حضور عاشورا را در زندگی خود فعال نموده و علاوه بر ظاهر عزاداری و اشک و نوحه، با الگوی عاشورا این روزهای پر التهاب را به سلامت پشت سر بگذاریم. ان شاءالله

اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً

آگهی مناقصه اجرای عملیات عمرانی پارک بوستان ملت شهرداری نی‌ریز

۲ ک-د

نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۴
نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

شهرداری نی‌ریز در نظر دارد با استناد به بودجه سال ۱۴۰۵ پروژه‌ی عمرانی، احداث بوستان ملت را از طریق مناقصه عمومی به متقاضیان (حقیقی و حقوقی) واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید از تاریخ نشر آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه و اطلاعات تکمیلی به شهرداری نی‌ریز مراجعه نمایند یا با شماره تلفن چهار رقمی ۰۷۱۵۳۲۰ داخلی ۲۰۳۸ و ۲۰۲۴ تماس حاصل نموده یا به سامانه شفافیت شهرداری نی‌ریز به آدرس http://shafafiat.neyriz.ir و یا به آدرس سامانه ستاد به آدرس https://setadiran.ir مراجعه نمایند. متقاضیان می‌بایست مبلغ سپرده شرکت در مناقصه را به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر در فرمهای قابل قبول در وجه شهرداری نی‌ریز با اعتبار حداقل سه ماهه و قابل تمدید و یا فیش واریزی به حساب ۰۱۰۵۶۹۲۲۶۲۰۰۴ بانک ملی شعبه احمد نی‌ریزی بنام شهرداری نی‌ریز به همراه اسناد مناقصه به شهرداری ارائه نماید. متقاضیان می‌بایست کلیه اسناد را تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ در پاکت لاک و مهر شده به آدرس فارس، نی‌ریز خیابان آیت الله طالقانی شهرداری نی‌ریز واحد دبیرخانه محرمانه تحویل نمایند. جلسه کمیسیون عالی معاملات در ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ در محل شهرداری برگزار خواهد شد. حضور متقاضیان یا یک نفر به نمایندگی از طرف آنها با ارائه معرفی نامه رسمی در جلسه کمیسیون مجاز بوده و دعوت دیگری از متقاضیان، اعضای اصلی، ناظر و مهمان کمیسیون معاملات به عمل نخواهد آمد. کلیه هزینه‌های نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. پرداخت کلیه کسورات قانونی به عهده برنده مناقصه خواهد بود. شرکت در مناقصه و دادن پیشنهادات به منزله قبول شرایط و تکالیف شهرداری می باشد. به پیشنهادات فاقد سپرده، مخدوش، مشروط و پیشنهاداتی که بعد از مهلت مقرر واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد. شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد. برابر مقررات نباید هیچکدام از اعضای اصلی و علی البدل شرکت مشمول قانون منع مداخله کارکنان دولت باشد. در صورتیکه برندگان اول، دوم و سوم حاضر به انعقاد قرارداد نگردند سپرده‌ی آنها به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد. سایر جزئیات و شرایط در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شهرداری نی‌ریز

ردیف	عنوان و محل پروژه	برآورد اولیه (ریال)	مبلغ سپرده ریال
۱	اجرای عملیات عمرانی بوستان ملت	۷۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰

آگهی مناقصه شماره ۰۴-۱۴۰۵/م‌ن (نوبت سوم)

۲ ک-د

شرکت سیمان سفید نی‌ریز (سهامی عام) در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق مناقصه عمومی به مدت یک سال به شرح مندرج در اسناد مناقصه به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید لذا از افراد حقوقی دارای تأیید صلاحیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و افراد حقیقی ذیصلاح دعوت بعمل می‌آید. ضمناً متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سایت WWW.NEYRIZCEMENT.COM یا امور بازرگانی شرکت در محل کارخانه مراجعه نمایند.

۱-عملیات امور معادن

۱-۱) باطله‌برداری، آماده‌سازی سینه‌کار جدید، تسطیح مکان حفاری، استخراج، دیوسازی، بارگیری، حمل و تخلیه سنگ آهک (در سنگ شکن و محل دپوها)

۲-اجاره یک دستگاه لودر و کامیون:

۲-۱) اجاره یک دستگاه لودر جهت انجام عملیات تسطیح، دپوسازی، بارگیری و جابجایی مواد (سنگ آهک، سنگ گچ، کلینکر، کائولن، فلورین، سنگ آهک افزودنی، نخاله‌های ساختمانی، ضایعات نسوز کاری، کوتینگ و ...) در محدوده سایت کارخانه سیمان سفید نی‌ریز

(۲-۲) اجاره یک دستگاه کامیون کمپرسی ده چرخ جهت انجام عملیات جابجایی مواد اولیه، افزودنیها، کلینکر، و ضایعات تولید و دپوسازی یا تخلیه آنها در هاپرهای سنگ شکن و آسیاب سیمان

- مهلت تحویل پیشنهادات حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ می‌باشد.

- در خصوص انجام خدمات مورد نیاز اجاره یک دستگاه لودر و کامیون، متقاضیان حقیقی ذیصلاح نیز مجاز به شرکت در مناقصه می‌باشند.

سایر شرایط در استاد مناقصه درج گردیده است و در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۸-۵۳۸۳۰۰۰۶-۰۷۱ داخلی‌های ۱۲۴ و ۱۳۲ تماس حاصل فرمایید.

شرکت سیمان سفید نی‌ریز

(سهامی عام)